

پوری‌پدیا PouriPedia

نفت به‌صورت خلاصه



پوریا عالمی

اولین چاه نفت در خاورمیانه در ایران کنده شد و درست در همان لحظه بود که خاورمیانه از چاله درآمد و افتاد توی چاه. ایرانیان که تا پیش از چاه نفت تپاله می‌سوزاندند تا گرمشان شود، بعد از چاه نفت نت‌تها دیگر تپاله‌سوزاندند بلکه نفت هم هپلی هپو شد و ایرانیان به‌جای تپاله و نفت، دلشان شروع به سوختن کرد. این سوخت‌وساز طبیعی سبب شد تا سر ایرانیان سال‌ها به همین حرف‌ها گرم شود.

مصدق چی کار کرد؟

بعد از بخوربخوری که توسط خارجی‌ها و داخلی‌ها، که هم از داخل می‌خوردند، هم از خارج انجام شد، مصدق نفت را ملی کرد که دستش درد نکند. بنابر ملی‌شدن صنعت نفت قرار بود دیگر کسی در نفت بخوربخور نکند و فقط مردم بخورند. برای همین نفت جزء بیت‌المال محسوب شد. اما مسئله اینجاست که مال‌مردم‌خوار در طول تاریخ وجود داشته و اگر تا قبل از ملی‌شدن صنعت نفت، مال‌مردم‌خوارها نفت را نمی‌خوردند، از وقتی که نفت مال مردم شد، افتادند روش و حالا نخور کی بخور.

ایرانیان بعد از ملی‌شدن صنعت نفت احساس خوبی بهشان دست داد. دقیقا مثل حسی که موقع تماشای تلویزیون به ما دست می‌دهد. یعنی به‌هر حال ما این‌ور تلویزیون نشستم و خرما بر نخیل.

سیاست‌مدارهایی کار کردند؟

نفت برای مردم جنبه نباتی دارد، برای سیاست‌مداران جنبه حیاتی. انتخابات‌به‌انتخابات در طول تاریخ در شکه نفت را باز کرده‌اند و بوی نفت را درآورده‌اند و گفته‌اند اگر به ما رای بدهید نفت را می‌آوریم سر سفره‌تان. ولی زهی خیال باطل. تعداد زیادی از مردم ایران سال‌هاست دیگر سر نمی‌اندازند و از میز ناهارخوری یا کانتیر آشپزخانه استفاده می‌کنند.

واکنش نفتی

مهم‌ترین کاری که در تاریخ نفت ایران شده، کاری بوده که دکتر مصدق کرده. منتها مهم‌ترین واکنشی که مردم در طول تاریخ داشتند این بوده که وقتی دارند توی خیابان از کنار کسی رد می‌شوند، بگویند: بیا نفتی نشی. این بیا نفتی نشی، اوج فعالیت اجتماعی مردم در طول تاریخ بوده است که به‌نظر ما واقعا الان خسته شدیم و باید زحمت بشکیم.

کمک نفتی با کمک پدیا

لطفاً به‌جای کمک برای تکمیل دانش‌نامه ویکی‌پدیا، به تکمیل دانش‌نامه پوری‌پدیا کمک کنید.

تجربه

ترس

جواد ماهر

● زینب و ترگس، دخترعمه دختردایی‌اند. هردو کلاس اول. صبح به قصد مدرسه از خانه بیرون می‌زنند. اما مدرسه نمی‌آیند. من زنگ اول در تدارک جلسه آموزش خانواده بومد که فهمیدم نیستند. خبر رسید به مادر و پدر و مادر بزرگ زینب و ترگس. بعد خبر پیچید بین بچه‌های مدرسه. من که از خاطره تلخ زیر دیوار ماندن ابوالفضل هنوز نار نشده‌ام، به مادر بزرگ گفتم: «زبانم لال دیواری، سقف سستی…» چی‌پچ نگاهم کرد و گفت: «نه». زنگ زدم به مدیر مجتمع. نفهمیدم چی گفتم. با دلهره گفتم. خودش را رساند. گفت: «مرا ترساندی. فکر کردم در مدرسه برایشان اتفاقی افتاده. اگر مدرسه نایمده‌اند که مسئولیتش با ما



نیست.» من آرام نشدم. ابوالفضل روز سوم عید زیر آوار دیوار سست خانه یکی از اهالی ماند. مسئولیتش با ما نبود، اگر مسئولیتش با ما نبود، پس چرا این دل وامانده هی بهانه ابوالفضل را می‌گیرد. جلسه اولیا را که شروع کردم، نمی‌فهمیدم چه می‌گویم. تا اینکه در باز شد، مدیر مجتمع با لیخنه آمد و در گوشم گفت: «پیدا شدند. رفته بودند مهد کودک روستا.» معلم‌شان می‌گوید: «زینب دیگه شورش‌رو درآورده بود. بی‌نظم بود و مشق نمی‌نوشت. دیروز با مادرش صحبت کردم. مادرش گفت بزیندش. من زدمش. زدمش. فقط هلنش دادم و به او اخم کردم.» زینب سرش را انداخته پایین و چیزی نمی‌گوید. مشق می‌نویسد. اما معلوم است که صبح دست ترگس را گرفته و از ترس معلوم و مدرسه و خانواده رفته مهد کودک.

شترن روزنامه

www.sharghdaily.ir

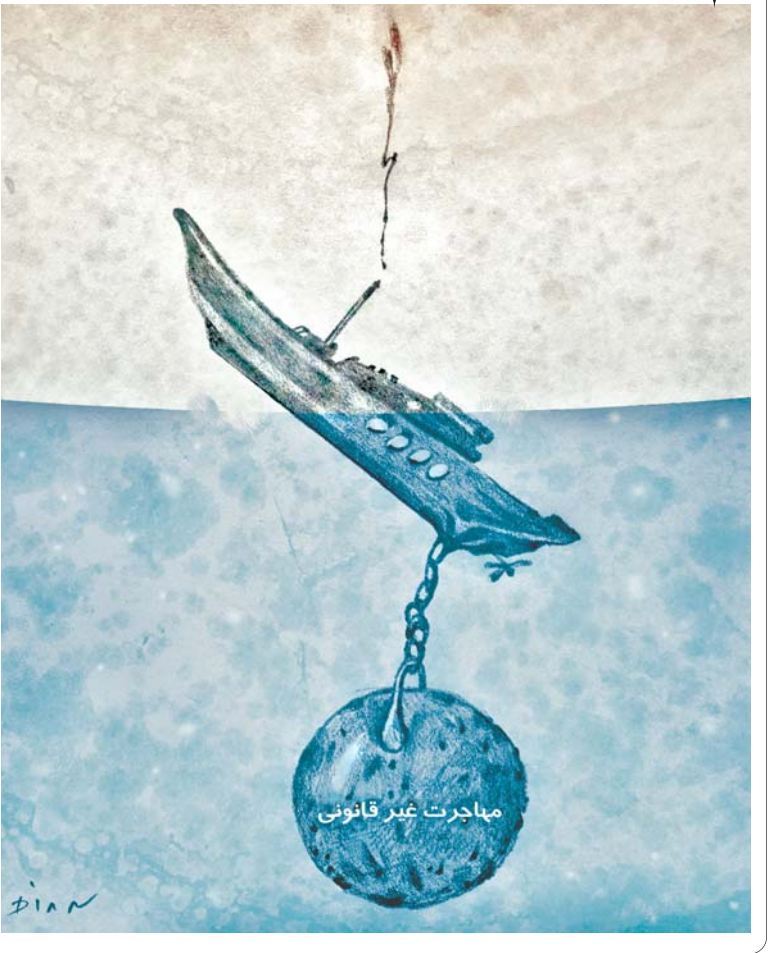
پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۴
۴ رجب ۱۴۳۶
۲۳ آوریل ۲۰۱۵
سال دوازدهم
شماره ۲۲۸۲
۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳
اذان مغرب ۲۰:۰۳
اذان صبح فردا ۴:۵۰
طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنفرها

کارتون خواب

دیان

motazedian.mehdi@yahoo.com



گزارش فردا

روزی برای سفر به رؤیای مکتوب

● **شرق:** امسال برای نوزدهمین سال پیاپی است که در سراسر جهان به کتاب اهمیت ویژه داده می‌شود؛ روزی که به نام «روز جهانی کتاب و حق مؤلف» نامیده شده است؛ روزی که قرار است همراه هر کتاب یک گل زر نیز به خریدار تقدیم شود؛ روزی که یک کتاب‌فروش کاتالونیایی تصمیم گرفت روز تولد سروانتس، نویسنده دون‌کیشوت، را به روزی برای ترویج کتابخوانی تبدیل کند. از همان سال ۱۹۲۳ این تلاش آغاز شده و کم‌کم گسترش یافت تا سال ۱۹۹۵ که اتحادیه ناشران اسپانیا و دولتشان در بیست‌وششمین اجلاس یونسکو پیشنهاد روز جهانی کتاب را مطرح کردند و فدراسیون روسیه هم در همان اجلاس عنوان «حق مؤلف» (نشرانه) را نیز به آن افزود؛ پیشنهادی که در همان جلسه تصویب شد و اینک سال‌هاست که در روز مرگ و تولد سه نفر از مشاهیر ادبیات جهان، یعنی سروانتس، ویلیام شکسپیر و اینکا گارسلاسو دولائوآ برای کتاب و حقوق مؤلف نویسنده اش ارج و قربی ویژه در نظر گرفته می‌شود.

شبی و شهری برای کتاب

هرسال تمرکز برنامه‌های این‌روز بر موضوعی است، مثلاً سال ۲۰۱۲ بر ترجمه. هرسال هم یونسکو با کمک سه نهاد بین‌المللی شامل انجمن ناشران بین‌المللی، (IPA-UIE)، فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری و فدراسیون بین‌المللی کتابفروشان، پایتخت شهری را به‌عنوان پایتخت جهانی کتاب انتخاب می‌کند و به گزارش سایت‌ها، معیارهایی هم چون میزان کتاب‌خوانی، وضعیت کتاب‌خانه‌ها، زیرساخت‌های نشر کتاب و شرایط ناشران برای انتخاب آن از سوی یونسکو در نظر گرفته می‌شود. هربار نیز ابتکاری برای این روز از سوی کشورها در نظر گرفته می‌شود مثلاً در بریتانیا قرار می‌شود کودکان یک پوند خرج کتاب کنند یا فرانسوی‌ها ۲۴ ساعت همبنگوی بخوانند.

امسال شهر اینچوان در کره‌جنوبی توانست به‌عنوان پایتخت کتاب انتخاب شود. این شهر نیز مانند دیگر شهرهایی که پیش از این به‌عنوان پایتخت کتاب انتخاب شده بودند، فعالیت‌های یک ساله‌ای را برنامه‌ریزی می‌کنند. اما در شیش نیز برنامه باشکوهی در لندن برگزار می‌شود که نویسندگان دورهم جمع می‌شوند و داستان‌هایشان را می‌خوانند و با یکدیگر درباره آثارشان و زمینه انجام می‌شود.

چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹، صدای اولین رادیوی ایرانی به گوش مردم رسید و در این صد سال، رادیو با فرازوفرودهایی که داشت هنوز یک رسانه فعال و زنده است. حسن انوشه، استاد زبان و ادبیات فارسی و سرپرست گروه مؤلفان دانشنامه ادب فارسی در این گفت‌وگوی کوتاه مهم‌ترین خدمت رادیو به ایران را ملت‌سازی می‌داند:

✎ شکل‌گیری رادیو در طول یک قرن اخیر چقدر با مقوله زبان در ارتباط بوده است؟

آن‌طور که به‌خاطر دارم رادیو در سال ۱۳۱۹ در ایران آغاز به کار کرده است؛ پیش‌تر هم رادیو داشته‌ایم اما رادیوهایی

بوده‌اند برای شنیدن صدای لندن یا صدای دیگر کشورها. در نزدیکی پل سیدخندان اولین مرکز رادیویی ایران آغاز به کار کرد که بعدها به آن بیسیم هم می‌گفتند. امروز و بعد از قریب صد سال، تعداد رادیوهای ایران سر به صدا می‌زند و به نظرم مهم‌ترین دلیل پایداری این رسانه، در عصری که عصر رسانه‌های پیشرفته و مترقی است، خدمت بزرگی است که رادیو به فرهنگ مردم و کشور کرده است.

✎ این خدمت از چه نوعی است؟ رفع اوقات فراغت است یا مثلاً فرهنگ‌سازی در مورد زندگی؟

به نظرم این خدمت بزرگ و سازنده، فراتر از اینهاست. خدمت اصلی رادیو به ایران، نزدیک‌کردن زبان مردم به همدیگر بوده است. دقت کنید که در محدوده قرن اخیر، مردم اولین‌بار از طریق رادیو دریافته‌اند که زبان ملی کشورشان زبان فارسی است. این خدمت بزرگی بوده و ادامه این مسیر در طول این سال‌ها، باعث شده رادیو همچنان رسانه‌ای در خدمت مردم کشورمان باشد.

✎ پس به‌عنوان یک استاد زبان‌شناسی، برای مسئله زبان در رادیو اهمیت بیشتری قائل هستید؟

از دریچه زبان‌شناسی، انتقال این پیام که زبان مردم ایران، فارسی است، از رادیو

همین حوالی

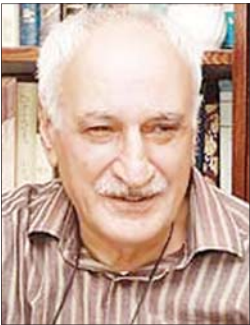
جکش مجازی دردنیای هنر

علی فرامرزی

● با نگاه به آمار نمایشگاه‌های سالیان گذشته و حرکت روبه‌رشد آن، شکی باقی نمی‌ماند که هنرهای بصری ایران می‌رود تا دورای از تعالی و شکوفایی را تجربه کند. اینکه رشد کمی به پیشرفت کیفی آثار نیز منجر خواهد شد یا نه، موضوعی است که باید در ظرف خود به آن پرداخت؛ هرچند نتیجه آن بحث‌ها هر چه باشد، به‌لحاظ کمی، تأثیر چندانی بر موقعیت فعلی هنرهای تجسمی نخواهد گذاشت. موقعیت پیش‌آمده و حجم آثار عرضه‌شده مثل هر پدیده جدیدی، مسائلی را پیش‌روی اصحاب این حوزه قرار می‌دهد که عدم توجه به آن و ندیدن واقعیت‌ها می‌تواند به دلسردی زمزم بینجامد. به نظر می‌رسد در بررسی و آسیب‌شناسی این موقعیت، اولین نکته‌ای که مطرح خواهد شد، این باشد که برای تداوم‌بخشیدن به این رشد، باید از اقتصاد هنری برخوردار بود که توان پاسخ‌گویی به توقعات منطقی و مشروع این حوزه را داشته باشد. متأسفانه نبود آمار دقیق علمی و عدم‌دسترسی به اطلاعات صحیح، هرگونه نقد و نظر را غیرمطمئن و غیرعلمی می‌کند و راهی برای بررسی‌کننده باقی نمی‌ماند جز اینکه به مشاهدات شخصی، تجربیات فردی یا شنیده‌های خود تکیه کند. آنچه از همه این بخش‌ها حاصل می‌شود این است که شرایط فعلی اقتصادی ایران خصوصاً در بخش فرهنگی و هنری هنوز توان پاسخ‌گویی به این حجم از تولید را ندارد و برای رسیدن به شرایط نسبتاً مطلوب باید کار کرد. یکی از راه‌های حرکت به سمت یک اقتصاد هنر قابل‌تداوم و روبه‌رشد و واردشدن به چرخه جهانی اقتصاد هنر، حضور هرچه‌بیشتر بازارها و حراج‌های هنری است. از آنجا که واردشدن به این عرصه به‌شدت پیچیده است و سازوکار و لوازم خود را می‌طلبد، باید قبل از آنکه دچار خوش‌بینی و ساده‌انگاری شویم، خود را به لوازم و تجربیات کافی و واقعی مجهز کنیم. در نظریه‌های امروزی، یکی از ابزار مهم جلب‌توجه سرمایه‌گذاران فرامرزی، داشتن حراج‌های هرچه‌بیشتر و باکیفیت‌تر است تا بتواند در یک بستر-الکوسازی و ارزش‌آفرینی- هم توجه طبقه سرمایه‌دار داخلی را به چنین اقتصاد پویایی جلب کند و هم جایگاه قابل‌دفاع هنرهای تجسمی را به جهانیان یادآوری کند. گسترش ابزارهای ارتباطی و شیوه‌های متنوع بازاریابی و عرضه، روش‌های جدیدی خلق کرده که می‌توان با استفاده درست از آنها، به گسترده‌گی، تنوع و کم‌هزینه‌شدن برگزاری حراج‌ها کمک کرد؛ از آن جمله همین حراج اینترنتی و آنلاینی است که گالری سیحون راه انداخته و این‌روزها ششمین دوره خود را طی می‌کند. یا حراج بزرگ تهران که وارد چهارمین سال تأسیس خود شده و با وجود کاستی‌های موجود، توانسته جایگاهی قابل‌توجه در داخل و خارج از ایران به دست آورد. هنرهای تجسمی ایران ظرفیت حراج‌های بیشتر و متنوع‌تر را به‌خوبی داراست، چراکه هم‌اکنون بسیاری آثار باارزش این عرصه، به‌دلیل ظرفیت محدود بازار و امکانات برگزارکنندگان، پشت درهای حراج‌ها بر زمین مانده‌اند. به نظر می‌رسد در راه تعامل جدیدی که ایران با جهان برگزیده، ما می‌توانیم با تکیه به تجربیات موجود داخلی، نه‌فقط در اقتصاد هنر بلکه در بالابردن کیفیت و محتوای آثار حداقل در منطقه و این‌سوی جهان بیری دائمی افزاشته داریم و به سمت یک اقتصاد متکی بر فرهنگ و دانش خودی حرکت کنیم. ما همه لوازم چنین اقتصاد دانش‌بنیانی را به همت هنرمندان و کاری‌داران داریم.

رودردرو

حسن انوشه: رادیو به ملت‌سازی در ایران کمک کرد



رسانه‌ای ساخته که به ملت‌سازی در ایران کمک کرده و در طول این سال‌ها جایگاه خودش را پیدا کرده. دقت کنید، ممکن است که رادیو در عمر یک قرن‌ی‌اش، از منظرهای مختلفی چون سیاست، اقتصاد یا فرهنگ‌سازی هم قدم‌هایی برداشته باشد اما پیش‌شرط همه آنها توجه به مسئله زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی کشور بوده. صد سال پیش وقتی که بلوچ‌ها، لرها، ترک‌ها و دیگر قومیت‌های محترم کشورمان پیچ رادیوهایشان را باز کردند برای اولین بار با دریچه‌ای آشنا شدند که علاوه‌بر انتقال پیام، تأکید داشت که این پیام از طریق زبان فارسی منتقل خواهد شد. امروز رادیوهای محلی با زبان‌های غیرفارسی هم داریم اما آنچه رادیو در آن زمان رقم زد، منافاتی با شرایط امروز ندارد.

✎ در این صد سال، وضع زبان در رادیو به چه شکلی بوده است؟

از دیگر خدمات رادیو و بعدها تلویزیون به ایران، استفاده و کاربردی‌کردن کلماتی بود که توسط فرهنگستان به‌عنوان کلمات معادل معرفی شده بودند. اگر امروز ما دیگر اصطلاح نظمیه یا عدلیه را به کار نمی‌بریم، اگر مردم کم‌کم به‌جای استفاده از کلمه ترمینال، از واژه پایانه استفاده می‌کنند و به اس‌ام‌اس، پیامک می‌گویند، از خدمات رادیو است. حالا آن واژه‌های قدیمی فراموش شده‌اند و ما به سمت گسترده‌سازی واژه‌های درست می‌رویم و همین موضوع یکی از مهم‌ترین دلایل بقای رادیو در این عصر است.

✎ رادیوی امروز به‌لحاظ زبانی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا ماندگار شود؟

در ۵۰ سال اخیر، زبان فارسی به اندازه هزار سال تحول و دگرگونی پیدا کرده و رادیو هم در این تحولات همراه با مردم بوده است. گاه متأثر از تغییرات زبانی مردم می‌شود و گاه به وظیفه اصلی خود عمل می‌کند و گاه مجادلات زبانی رایج را به شکل طنزآمیز به نقد می‌گذارد؛ این موضوع خاصیت زنده‌بودن و حیات رادیو را نشان می‌دهد.

روایت

افغانستان خنديد

فريبيا پړوه



این‌بار با پرچم‌های سیاه در این شهر، از چندروز پیش از برگزاری جشن، دیوارها و بیلوردهای هرات پر شده بود از پرچم‌های رنگارنگ و نوشته‌هایی که شادی و جشن را به مردم شهر نوید می‌دادند. در این جشن که بیش از پنج هزار نفر از اهالی شهر در آن

شرکت داشتند، هراتی‌ها لباس‌های محلی، قالی، غذا و هنرهای شهر خود را در معرض تماشای دنیا گذاشتند. بافندگان فرش، گاهی به‌جای نقش گل، نقش تفنگ و تانک را بر دار قالی‌ها گره می‌زنند. باین‌همه اما پس از ایجاد ثبات نسبی و رخت پرستن بخشی از مظاهر طالبانیسم از این کشور، جوانان و فعالان جامعه مدنی و برخی مقامات محلی شهر هرات در غرب افغانستان تصمیم گرفتند صدای جشن و شادی را – حتی برای یک روز- جایگزین صدای انفجار و انتحار و آدم‌ربایی در بخشی از خاک افغانستان کنند.

۲۵ فروردین- حمل- روز جشن هرات بی‌شک در تاریخ معاصر این کشور ثبت خواهد شد. هراتی‌ها این روز را روز هرات نامیده‌اند. یک روز نمادین رای تولد دوباره شهری که قدمت تاریخی‌اش به سه هزار سال پیش بازمی‌گردد و دگرش در اوستا آمده و از ساسانیان تا صفاریان و از اسکندر مقدونی تا هوتکیان و تیموریان و لشکرگشایان بسیاری در این شهر شمشیر زده‌اند. هرات یکی از سه شهر بزرگ افغانستان است. خواهر مشهد و بلخ و قندهار است و در تلاقی تمدن‌ها قرار گرفته و رودخانه هری از میان آن گذشته است. اسکندر مقدونی بیش از ۵۰۰سال قبل از میلاد به آن هجوم آورد. پس از تخریب هرات این شهر دوباره بنا گذاشته شد که ارگ معروفش هنوز به نام قلعه اختیارالدین شهرنودان هرات می‌روند که روز تاریخی و پرارزش این شهر را به جشن بنشینند و شوکوهانی و بزرگی هرات را به تماشا بگذارند»...

نگاه

ظلم به تألیف

پیوستن ایران به این کنوانسیون باعث می‌شود انتشار کتاب‌های ترجمه‌ای‌مان ناممکن یا خیلی دشوار باشد. همچنین برخی نگران تأثیر آن در فضای علمی و فناوری‌ها هستند. یکی از تأثیرات نپیوستن ایران به این کنوانسیون این است که باعث شده تألیف و آفرینش هنری در ایران آسیب ببیند. این آسیب از دو سوست؛ هم ما نتوانسته‌ایم وارد حوزه جهانی تألیف و آفرینش هنری بشویم، درحالی‌که در قیاس با برخی از کشورهایی شبیه به خودمان از این نظر امکان‌ها و زمینه‌های مثری داریم و هم آفرینش و تألیف داخلی‌مان به‌خصوص در حوزه کتاب آسیب دیده و عملاً تألیف و انتشار کتاب ایرانی در رقابتی نابرابر قرار گرفته است. از این زوایه، نپیوستن به‌کی‌رایت برعکس هدفی که داشته، عمل کرده است و به تألیف ایرانی آسیب زده و آن را در رقابت نابرابر با کتاب خارجی قرار داده است درحالی‌که در حوزه‌های صنعتی و بازرگانی همیشه دولت از تولیدات داخلی حمایت کرده است، در کتاب این سیاست به زبان تدوین شده است. پیوستن ایران به این کنوانسیون مخالفانی دارد. برخی از مخالفان فکر می‌کنند، آفرینندگی ظلم کرده است



گیسو غصفوری

در روزی که به نام کتاب و حق معنوی مؤلف نام‌گذاری شده است، در کشورمان درباره حق مؤلف بحث‌های زیادی مطرح می‌شود. نمونه‌های زیادی در مطبوعات درباره رعایت حقوق مؤلفان و هنرمندان صنوف مختلف و به‌خصوص عکاسان و نقاشان و تصویرگران نوشته شده است. بیش از همه، عکاسان دراین‌باره دغدغه نشان داده‌اند. گاهی در زمینه نویسندگی نیز اتفاق‌هایی رخ داده و اعتراض‌هایی به وقوع پیوسته است، اما کمتر پرونده‌ای در این زمینه‌ها به دادگاه کشیده شده است. تا چندی دیگر در ایران همایشی در زمینه حقوق مالکیت فکری برگزار می‌شود. همچنین در خبرها آمده است لایحه‌ای برای پیوستن ایران به کنوانسیون برن چنان‌که مرسوم است، کی‌رایت، تدوین شده است. پیوستن ایران به این کنوانسیون مخالفانی دارد. برخی از مخالفان فکر می‌کنند،